

## زیارت و فرهنگ میزبانی



پژوهشگر مطالعات فرهنگی محمد جواد آستانی

در طبقه‌بندی شهرهای گوناگون، موضوع و انگیزه مرکزی شکل‌گیری و هویت‌مند شدن شهر، کلیدواژه اساسی است. این دال کانونی وبنیادین تعیین‌کننده همه ابعاد و مؤلفه‌های مادی و غیرمادی شهر خواهد بود و همه ارتباطات، ساختارها، فرایندها و کنش‌ها در درون شهر بر بنیاد همان عامل کانونی عمل می‌کند، به عبارت دیگر پنداره مرکزی شهر که می‌تواند یک انگیزه اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی یا زیست‌محیطی باشد هویت‌بخش همه عناصر شهری و تعیین‌کننده نسبت آن‌ها با یکدیگر است.

«زیارت» پنداره مرکزی شکل‌گیری مشهد مقدس است و از این بابت مشهد مقدس، از جمله شهرهایی است که در طبقه‌بندی‌های مرسوم، نمونه‌ای همانند ندارد. به دلیل وجود مضجع شریف حضرت رضا<sup>(ع)</sup> و گسترش یافتن مفهوم «زیارت» که برخوردار از ابعاد معنایی و معرفتی شیعی و دارای ظرفیت ساختار و نهادسازی است، مشهد نمونه‌ای منحصر به‌فرد انگاشته می‌شود. قدرت زیارت به‌عنوان دال مرکزی شهر مشهد چنان دامنه‌دار و پرسامد است که می‌تواند نقاط قوت برجسته دیگری را در ابعاد اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی نیز به همراه آورد.

به عبارت ساده‌تر می‌توان زیارت را عاملی دانست که مشهد را به ترکیبی برخوردار از همه مؤلفه‌های قدرت‌بخش شهری بدل کرده است.

از این روی سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی برای تقویت امر زیارت به‌عنوان عامل پایداری شهر بسیار الزامی است. آنچه به‌عنوان زیارت در جایگاه یک مؤلفه تمدنی معنابخش شهری موردنظر نگارنده است، زیارتی است برآمده از آموزه‌های شیعی و مروج اندیشه انقلابی (به معنای اصالت یافتن انسان فرهنگی) که البته باید در زیست مردم امتداد داشته باشد. زیارتی که در زیست جاری مردم جریان داشته و با ابعاد گوناگون زندگی ایشان پیوند برقرار کرده است، زمینه شکل‌گیری تمدن و ارتقای کیفیت زندگی را فراهم می‌آورد. از این‌رو در شهر مشهد مقدس، بازنمایی زیارت و پیوند ملموس آن با همه ابعاد شهری یک نیاز بنیادین است. این امر خود نیازمند درک درست از زیارت و پیوند آن با فضا‌های ملموس زیست معاصر است.

بر اساس آنچه گفته شد، زیارت با بازتولید معنایی و معرفتی خویش همواره جریان داشته است و بر پایه دگرگونی‌های عصری با حفظ بنیاد‌های معنایی خویش نمود و بروز می‌یابد. پس یکی از مهم‌ترین اقدامات برای بهره‌بردن حداکثری از پنداره «زیارت»، جلوگیری از انحراف معنایی و ساختاری آن و کمک به توسعه‌اش به‌عنوان جریانی پویاست.

یکی از برجسته‌ترین کلیدواژه‌های برآمده از «زیارت»، مفهوم «زائر» است و تقریباً بیشترین ادبیات تولیدی در این حوزه به مسئله زائر باز می‌گردد.

آشکار است درک مفهومی و برنامه ریزی برای زائران با آرمان تحقق زیارت مطلوب و پس از آن بهره‌بردن از مواهیش، امری انکارناپذیر است. ولی یکی از مهم‌ترین کلیدواژه‌هایی که در سایه زائر قرار می‌گیرد و در بسیاری از موارد به آن توجهی نمی‌شود، مفهوم «مجاور» است.

زائر در دامنه میزبانی و خدمت مجاوران و خدمتگزارانی که زمینه‌حضور را فراهم می‌آورند معنا می‌یابد. حقیقت آن است که تحقق مطلوب و نتیجه‌بخش «زیارت» نتیجه انسجام، ساختارمندی و تقویت مجاوران است. مجاوران به‌عنوان گروهی که به‌طور مستقیم و غیرمستقیم با زائران سروکار دارند زمینه تقویت برداشت ذهنی ایشان از زیارت را فراهم می‌آورند. بر این بنیاد زیارت مطلوب در گرو نوع میزبانی مجاوران و خدمتگزاران است.

برداشت‌های خودآگاهانه و ناخودآگاهانه زائران، به نوع رفتار و کنشگری‌های میزبانان ایشان بستگی دارد. آشکار است که اگر اختلالی در فرایند میزبانی از زائران انجام می‌شود تصویر ذهنی ایشان مخدوش و زمینه اثربخشی حداکثری زیارت دچار آسیب می‌شود.

پس بایسته است برای به نتیجه رسیدن زیارت مطلوب، در گام نخست فرهنگ میزبانی را ارتقا دهیم. بر این بنیاد باید گفت هر شهروندی که در مشهد مقدس زیست می‌کند به نوعی میزبان و خدام زائران حضرت رضا<sup>(ع)</sup> است و این خدمت به‌طور مستقیم و غیرمستقیم با تقویت امر زیارت بر کیفیت زندگی اثر می‌گذارد.

حال مهم‌ترین وظیفه سیاست‌گذاران و برنامه ریزان عرصه‌های گوناگون فعال در مشهد مقدس، ارتقای فرهنگ میزبانی مبتنی بر آموزه‌های دینی است. این امر نیازمند فرهنگ‌سازی دقیقی است که به یاری آموزش، پژوهش، تولیدات رسانه‌ای، قانون‌گذاری، توسعه زیرساخت‌های میزبانی و مواردی از این دست ممکن خواهد شد.

## زین‌قدیر

علیرضا حیدری |مدرس ویراستاری

- نادرست** ✘

**سیل اخیر آسیب‌های زیادی به زیرساخت‌های کشاورزی وارد ساخت.**

- درست** ✔

**سیل اخیر آسیب‌های زیادی به زیر ساخت‌های کشاورزی وارد کرد.**

- نکته** 📌

***ساختن به معنای مثبت «درست کردن»، «آباد کردن» و «سامان دادن» و... است؛ پس شایسته‌است که به جای «ویران ساختن» و «ناپود ساختن» بگوییم: «ویران کردن» و «ناپود کردن» و «وارد کردن»...***

**البته جمله‌ویراسته‌با لاین است:**

**سیل اخیر به زیرساخت‌های کشاورزی آسیب‌های زیادی زد.**

*#زین‌قدیرپارسی*

# شهر

SHAHRAANEWS.IR  
۴شنبه  
۱۳ شهریور ۱۳۹۹  
شماره ۱۵۵۵



# فرهنگ و ادبیات

مدخل مقام معظم رهبری در دایره‌المعارف بزرگ اسلامی به شکل مستقل منتشر شد.

به گزارش روابط عمومی مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، کتاب، چشمهٔ حکمت: سیری در زندگی و اندیشه‌های مقام معظم رهبری، حضرت آیت... سیدعلی خامنه‌ای، به‌قلم علی اکبر ولایتی ازسوی انتشارات مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی (مرکز پژوهش‌های ایرانی و اسلامی) منتشر شد.علی اکبر ولایتی، مشاور رهبر معظم انقلاب در امور بین الملل و عضو شورای عالی علمی مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی در مقدمهٔ خود بر آغاز این اثر نوشته است: «چندسال پیش، جناب آقای دکتر بجنوردی، رئیس محترم مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، به نگارنده پیشنهاد کردند زندگی‌نامهٔ رهبر معظم انقلاب، حضرت آیت... خامنه‌ای، را برخلاف سنت

### خبر

معمول، که فقط شامل وقایع وحوادث وشرح حال بزرگان ومشاهیرپس از دوران حیات شریف ایشان است، بنویسم. پس از کسب اذن از رهبر معظم انقلاب در این باره، نگارنده سطوری در این باب نگاشت که بی‌تردید در حد بضاعت حقیر بود و نه درخور مقام شامخ واعلای علمی، فقهی، سیاسی وفرهنگی آن بزرگوار. مقالهٔ حاصل درمجلدشمارهٔ بیست‌وبکم آن دایره‌المعارف شریف منتشر شد و مورد اقبال عموم قرار گرفت، چندان که آن مجلد خاص تجدید چاپ شد و همان مطالب نگاشتهٔ حقیر را در جزوات مجزاهم منتشر کردند.به تازگی جناب آقای بجنوردی دوباره از بنده خواستند مقدمه‌ای بر این زندگی‌نامه بنگارم تا آن‌شاء... مقدمه و متن به صورت کتاب مستقلی چاپ شود. نگارنده با مشورت جناب آقای دکتر نوروزی، از همکاران صدیق و با معرفت این جانب، که

**گفت‌وگو با ابوطالب مظفری، برنده نخستین دوره جشنواره جهانی شعر آیینی**

# شاعر آیینی باید احساسات ناپخته‌اش را کنار بگذارد

### قاسم فتحی

**ابوطالب مظفری یکی از شناخته‌شده‌ترین شاعران افغانستانی در ایران است. کسی که بی‌هیاهو در مشهد و در مؤسسه «دُرّی» فعالیت‌های فرهنگی مختلفی را سازمان دهی و برگزار می‌کند و به نوعی محل رجوع هنرمندان تازه‌کار و کهنه‌کار افغانستانی و حتی ایرانی است. او به تازگی در جشنواره جهانی شعر آیینی به عنوان نفر سوم برگزیده شد و جایزه نقدی ۱۲۵۰ یورویی برای شعری به عنوان «ترکیب‌بندی شرِ شوکران، دریافت کرد. در گفت‌وگوی زیر با ابوطالب مظفری درباره این صحبت کردیم که آیا از گذر شاعری می‌توان شعر آیینی گفت و در نهایت آیا شعر هیئت با شعر آیینی تفاوت می‌کند یا نه؟**

### گفت‌وگو

● **آقای مظفری! فکر می‌کنید هر شاعری می‌تواند شعر آیینی بگوید؟ اساساً آیا دسته‌بندی شاعر آیینی و غیرآیینی درست است؟**

ببینید شما گاهی آیین قربانی را به جا می‌آورید و گاهی در یک آیین قربانی شرکت دارید و آن را نظاره می‌کنید. به نظر بنده اگر به‌صورت کار نظر داشته باشیم بله، هر شاعری می‌تواند شعر آیینی داشته باشد؛ چون شاعر هنرمند است و قدرت ابداع دارد. از طرف دیگر چون هیچ‌انسانی خالی از دغدغه‌های معنوی نیست و این را تاریخ ادبیات هم ثابت کرده است؛ بسیار داشته‌ایم شاعرانی که متشرع نبوده‌اند یا احیاناً گرایش‌های مذهبی نداشته، ولی شعرهای آیینی خوبی سروده‌اند؛ اما اگر شعر آیینی را هم‌راذ خود آیین بدانیم و آن را نوعی مناسک که با قلب و باور انسان ارتباط دارد، تلقی کنیم، در این صورت شعر آیینی از انسان متعبد به آیین خاص انتظار می‌رود و نگاه تفننی با احیاناً بیرونی با آن چندان وجهی ندارد. درباره بخش دوم سؤال‌تان عرض کنم که دسته‌بندی‌ها در هر حوزه‌ای اعم از نظری و عملی کارگشاست و البته همان مقدار هم محدودکننده. شاعر پیش از هر چیزی انسان است و انسان، احساسات، افکار و خواسته‌های متنوع و متعددی دارد. هر شاعری ناگزیر در جامعه زندگی می‌کند و فرهنگ و از سمتی دنیای درون پیچیده خود را دارد. نمی‌تواند روی بخش بزرگی از این موضوع‌ها سرپوش بگذارد و به یک جنبه بپردازد. در کل من تقید به

شاعری عرضه شد؛ شاعرانی چون علی معلم به نگاه تازه‌ای در شعر آیینی هم رسیدند. دیگر اینکه شاعران ما به قول معروف در شعر اغلب به احساسات و عاطفه توجه دارند و آن‌ها را کافی می‌دانند، درحالی‌که عنصر مهم در شعر آیینی برخلاف شعر تغزلی، اندیشه است.

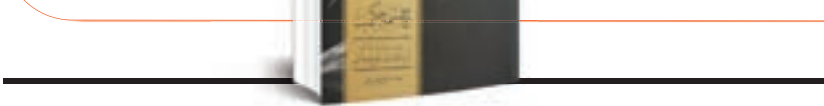
● **در ادامه پرسش قبل، می‌خواستم بگویم به نظر می‌رسد بیشتر اشعاری که در هیئت‌ها خوانده می‌شود، تناسبی با مفاهیم و اندیشه اهل بیت<sup>(ع)</sup> و مشخصاً واقعه عاشورا ندارد. فکر**

**انتشار مستقل مدخل رهبر معظم انقلاب در دایره‌المعارف بزرگ اسلامی**

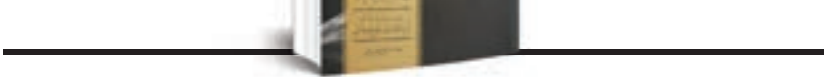
## چشمه حکمت به روایت ولایتی

بنی صدر و دوران ریاست جمهوری و فصل سوم ذیل اسم دوران رهبری شامل انتخاب به مقام رهبری جمهوری اسلامی، سیاست داخلی، سیاست خارجی، اقتصاد، فرهنگ، علم و فناوری، امور نظامی، دفاعی و انتظامی و امور حقوقی و قضایی است.

کتاب «چشمهٔ حکمت»، که نام آن وام‌یافتهٔ بیتی از حافظ، «حافظ از چشمهٔ حکمت به کف آور جامی/ بو که از لوح دلت نقش جهالت برود، است، در ۲۰۸ صفحه، با شمارگان دوهزار نسخه و به بهای ۳۷۵ هزار تومان از سوی انتشارات مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی به طبع رسیده است.



خدمات ذی‌قیمتی در عرصهٔ فرهنگ و تمدن اسلام‌کرده‌اند. این کار را شروع کردم. با مشورتی که شد، به این نتیجه رسیدیم که آنچه در این مقدمه باید مدنظر باشد، تبیین اصل مترقی و منحصر به فرد ولایت فقیه در شیعه از زمان غیبت تا کنون است.» این کتاب پس از دیباچه و منابع آن، مشتمل بر سه فصل است؛ فصل نخست با عنوان زندگی‌نامه شامل خاندان، شخصیت علمی و فرهنگی و حیات سیاسی و اجتماعی، فصل دوم با نام دههٔ اول انقلاب اسلامی شامل شورای انقلاب، حزب جمهوری اسلامی، امامت جمعهٔ تهران، در مجلس شورای اسلامی، دفاع مقدس، فعالیت‌های ارشادی و تبیینی، مقابله با لیبرال‌ها و



**گفت‌وگو با ابوطالب مظفری، برنده نخستین دوره جشنواره جهانی شعر آیینی**

# شاعر آیینی باید احساسات ناپخته‌اش را کنار بگذارد



**ابوطالب مظفری یکی از شناخته‌شده‌ترین شاعران افغانستانی در ایران است. کسی که بی‌هیاهو در مشهد و در مؤسسه «دُرّی» فعالیت‌های فرهنگی مختلفی را سازمان دهی و برگزار می‌کند و به نوعی محل رجوع هنرمندان تازه‌کار و کهنه‌کار افغانستانی و حتی ایرانی است. او به تازگی در جشنواره جهانی شعر آیینی به عنوان نفر سوم برگزیده شد و جایزه نقدی ۱۲۵۰ یورویی برای شعری به عنوان «ترکیب‌بندی شرِ شوکران، دریافت کرد. در گفت‌وگوی زیر با ابوطالب مظفری درباره این صحبت کردیم که آیا از گذر شاعری می‌توان شعر آیینی گفت و در نهایت آیا شعر هیئت با شعر آیینی تفاوت می‌کند یا نه؟**

زبان و هر سنجی از تصویر، نباید وارد این وادی شود. موسی‌وقتی به‌طوررفت همین ندا را شنید که هرچه از جنس احساسات زمینی داری فروبگذارد و بعد در این وادی گام بنه.

● **در سال‌های اخیر برخی از شاعران آیینی اشعار سهل و ممتنعی گفته‌اند که احتمالاً شما هم آن‌ها را از زبان مداحان شنیده‌اید. توجه‌شان این است که شعر آیینی قرار است در هیئت خوانده شود. در آن فضا، اغلب جوان‌ها مخاطبشان هستند و شعر باید راحت فهمیده شود و خیلی به استفاده از ادوات و تکنیک شعری نیازی نیست.**

سهل ممتنع البته در ادبیات معنای ستایشی دارد. رسیدن به چنین مرتبه‌ای در زبان، کار هنری است و ناشی از تسلط شاعر و این را نباید با ساده‌انگاری زبانی یکی گرفت. آنچه امروزه در میان مداحان رایج است، زبان ساده‌انگار و کوچه‌بازاری به، باید زبان مدایح و مرثیه‌ها عمومی و فهمیدنی برای توده باشند؛ اما نه آنچه که توده خودشان آن را در زبان روزمره خود ملعبه کرده‌اند. این دو چیز است،

زبان و هر سنجی از تصویر، نباید وارد این وادی شود. موسی‌وقتی به‌طوررفت همین ندا را شنید که هرچه از جنس احساسات زمینی داری فروبگذارد و بعد در این وادی گام بنه.
● **در سال‌های اخیر برخی از شاعران آیینی اشعار سهل و ممتنعی گفته‌اند که احتمالاً شما هم آن‌ها را از زبان مداحان شنیده‌اید. توجه‌شان این است که شعر آیینی قرار است در هیئت خوانده شود. در آن فضا، اغلب جوان‌ها مخاطبشان هستند و شعر باید راحت فهمیده شود و خیلی به استفاده از ادوات و تکنیک شعری نیازی نیست.**

سهل ممتنع البته در ادبیات معنای ستایشی دارد. رسیدن به چنین مرتبه‌ای در زبان، کار هنری است و ناشی از تسلط شاعر و این را نباید با ساده‌انگاری زبانی یکی گرفت. آنچه امروزه در میان مداحان رایج است، زبان ساده‌انگار و کوچه‌بازاری به، باید زبان مدایح و مرثیه‌ها عمومی و فهمیدنی برای توده باشند؛ اما نه آنچه که توده خودشان آن را در زبان روزمره خود ملعبه کرده‌اند. این دو چیز است،

### آنچه امروزه در میان مداحان رایج است: زبان ساده‌انگار و کوچه‌بازاری در مرثیه و مدح است، بلکه، باید زبان مدایح و مرثیه‌ها عمومی و فهمیدنی برای توده باشند؛ اما نه آنچه که توده خودشان آن را در زبان روزمره خود ملعبه کرده‌اند

خطب انگیزه و انگیزخته است.

فرایند گفتن شعر آیینی که به درون شاعر مربوط می‌شود درست است و باید تقدیر شود، ولی فراورده‌ان، یک ساختار هنری است و ربطی به خود آیین ندارد. به همان دلیل که خود آیین تقدس دارد و نباید هر ربط و یابسی در آن راه یابد، باید در

خور نقد باشد. اتفاقاً در این حوزه باید حساسیت بیشتر باشد.

اینجا شاعر باید احساسات نسنجیده و نپخته خودش را کنار بگذارد. با هر گونه

**سرکلاس هوشنگ مرادی کرمانی به بهانه زادروز او**

## مرد سمجی از سیرچ

کتاب‌هایم است این است که جهان را از این که هست زیاتر کنیم. پیام عشق و محبت و انسانیت است. ۵۰ سال این‌طوری نوشتم؛ اما دیگر دلم از این دنیا گرفته‌است، دنیایی که این چیزها دارد در آن کم‌رنگ می‌شود... و پس از مکثی کوتاه اضافه کرد: «یا شاید کم‌رنگ بوده و من خبر نداشتم.» بعد هم بر یک نکته پافشاری کرد: «شما که غریبه نیستید، دیگر تعجب نمی‌کنم. وقتی کسی تعجب می‌کند می‌تواند بنویسد. یک آدم ۷۵ ساله دیگر هیچ تعجبی در این دنیا ندارد. همه چیز دیده است و وقتی آدم تعجب نداشته باشد باید کار هنری را بگذارد کنار، چون اگر این کار را نکند کارش تبدیل شده به یک کاسبی. تا زمانی که آدم تعجب می‌کند و سؤال می‌کند از جهان که من کی هستم، برای چی آمده‌ام، زندگی چیست، خوشبختم یا بدبخت و ... می‌تواند بنویسد، اما وقتی سنش مانند من بالا می‌رود می‌فهمد این سؤال‌ها جوابی ندارد و تعجبی هم در کار نیست.» و پند آخر را هم ضمیمه کرد: «قمار باز خوب کسی است که به موقع از پای میز بلند شود.» خلاص.

می‌روم، در برف و بوران و باران و گرما و تعطیل نشده‌است.» اولین داستانش در مجله خوشه چاپ شد. مجله‌ای که آن قدر معتبر و مهم است که وقتی کسی داستانی در آن چاپ می‌کرد، اسمش سرزبان‌ها می‌افتاد.

مرادی کرمانی چند سال برای رادیو نوشت، قصه‌های مجید را نوشت، بسیار داستان‌های دیگر نوشت، نوشت، نوشت، نوشت... نیم قرن نوشت و بعد یک باره و بی مقدمه چینی قلم را زمین گذاشت و با صدای رسا اعلام کرد: «دیگر نمی‌نویسم. خدا حافظ نویسندگی.» بعد در برنامه‌ای دیگر در پاسخ به یک پرسش که از هزاران دهان در می‌آمد، که چرا؟! آخر چرا آقای مرادی کرمانی؟! متواضعانه و بی‌برانه سرانگشت: «پیام کتاب آخرم که خلاصه تمام

زندگی می‌کردم. پدر بزرگم کدخدا بود و دعواهای روستا توی خانه ما جریان داشت و مادر بزرگم دوا و درمان سنتی می‌کرد. همیشه توی خانه ما پر از مریض بود. من بچه‌های زیادی را دیدم که جلوی چشمم مردند. در خانه و محیطی بزرگ شد که در روی زمین چیز دلخوش‌کنکی نداشتم و نمی‌دیدم. این بود که بیشتر در آسمان سیر می‌کردم. در حقیقت ذهنم می‌توانست به

جاهایی ببردم که دلم می‌خواست نه آنجایی که اجبار داشتم بمانم. خودم تنها بودم، تنهای تنهای تنها با یک تخیل خیلی زیاد. این ترکیبات بود که از هوشنگ مرادی کرمانی نویسنده بزرگی ساخت. مرادی کرمانی در آن همایش گفت: «وقتی با زندگی بسیار سخت شروع کنید، با چنگ و دندان بجنگی و بیایی بالا و ۵۰ سال بنویسی، این یعنی من آدم خیلی سمجی هستم. نیم قرن است که کوه

هوشنگ مرادی کرمانی که سال ۹۸ برای همایش گفت‌وگوهای انتقال تجربه به مشهد آمده بود حاصل همه تجربه‌هایش را در یک کلمه خلاصه کرد: عشق. گفت: وقتی عاشق باشی همه راه‌ها برایت راحت می‌شود. وقتی عاشق باشی راحت می‌توانی به هر چه می‌خواهی برسی. آن عشق، ابزاری هم به دستش داده بود. گفت وقتی از من می‌پرسند چه چیزی باعث موفقیت شد، می‌گویم یک شیء. چیزی که باعث شده در کارم موفق شوم قیچی بود. هر چیزی سر راه نوشتنم سبز شد، قیچی کردم. او بچه روستایی کوچک بود در استان کرمان. روستایی به اسم سیرچ. کودکی بسیار سختی هم از سر گذراند. او تنها بود. بیش از حد تنها: «مادرم مدتی بعد از تولد من از دنیا رفت. انگار وظیفه‌اش در دنیا فقط این بود که من را به دنیا بیاورد. نه برادری داشتم و نه خواهری. پدرم مشکل روانی داشت و برای همین بچه‌های مدرسه خیلی مسخره‌ام می‌کردند. این بود که هم‌بازی هم نداشتم. با پدر بزرگ و مادر بزرگم